

« فصلی از یک کتاب »

گامهای تنالیتیه در موسیقی قدیم و جدید

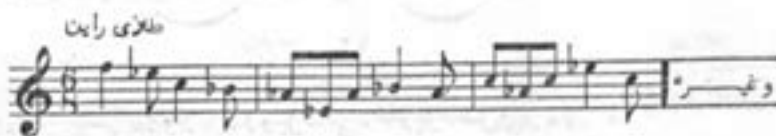
از زمان قدیم تا بحال اشل‌های زیادی در موسیقی ملل مختلف بکار رفته که ذکر تمام آنها در اینجا چندان لازم بنظر نمیرسد بلکه تعدادی از آنها که برای محققین موسیقی جدید جالب و قابل استفاده است مورد مطالعه قرار میگیرد.

در دستور هارمونی گواردت (Gevaert) از اشل پنج صدائی دیاتنیک که خیلی قدیمی تر از سیستم یونانی است و در موسیقی مغول و چین و ژاپون و... دیده شده اتود قابل توجهی بچشم میخورد.



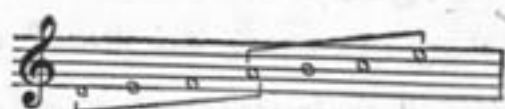
۱ - بعضی از تم‌های واکنر روی این اشل بنا شده است:

ر - واکنر

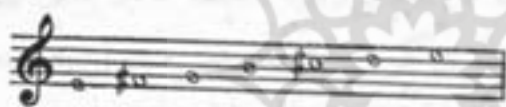


بطوریکه در مثال فوق دیده میشود فواصل نیم پرده‌ای در این چهار مد بچشم نیخورد و ضمناً آنها میتوانند روی نمایان (Dominante) شروع و ختم شوند.
 M. Woollett در تاریخ موسیقی خود راجع به گامهای قدیمی هندمدار کی
 ارابه میدهد. نوشتن و اجرای این گامها بسیار کار مشکلی است چون غیر از پنج درجه
 که کاملاً با پنجم درست گامهای ما مطابقت میکند، فواصل بقیه درجات آنها با اندازه
 يك سروتی (Srututi) (کمی بیشتر از ربع پرده) بالاتر و یا پایین تر هستند. در
 دستورهای موسیقی بزبان سانسکریت راجع به این سیستم که فاصله اکتاو در آن شامل
 ۲۲ سروتی است مطالبی نگاشته شده.

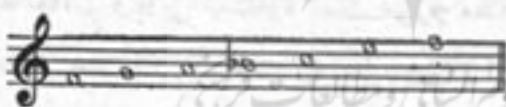
قدیمی ترین مد یونانی که شناخته شده مد «دورین» (Dorien) :



و «فریژین» (Phrygien) :



و «لیدین» (Lydien) :



است .

در زمان «اریستوکسن» سیستم موسیقی یونان از ۱۳ مد و بعداً از ۱۵ مد
 تشکیل میشد و چون ۶ مد در بین آنها از انتقال دیگر مدها بوجود آمده بود میتوان
 گفت که موسیقی مزبور از این ۹ مد تشکیل میشده :

هیپودورین یا (Hypo-Dorien) ۱ - لا - سی - دو - ر - می - فا - سل - لا +
 امولین (Eolien)

هیپو فریژین (Hypo-Phrygien) ۲ - لا - سی - دو - ریز - ر - می - فا - ریز - سل - لا +

هیپولیدین (Hypo-Lydien) ۳ - لا - سی - دو - ریز - ریز - می - فا - ریز - سل - ریز - لا +

(Dorien)	دورین	۴ - لا - سی - بمل - دو - ر - می - فا - سل - لا
(Phrygien)	فریژین	۵ - لا - سی - دو - ر - می - فا - دیز - سل - لا
(Lydien)	لیدین	۶ - لا - سی - دو - دیز - ر - می - فا - دیز - سل - دیز - لا
(Hyper-dorien)	هیپردورین با میکسولیدین	+ ۷ - لا - سی - بمل - دو - ر - می - فا - سل - لا
(Hyper-Phrygien)	هیپر فریژین با لوکرین	+ ۸ - لا - سی - دو - ر - می - فا - سل - لا
(Hyper-Lydien)		+ ۹ - لا - سی - دو - دیز - ر - می - فا - دیز - سل - لا

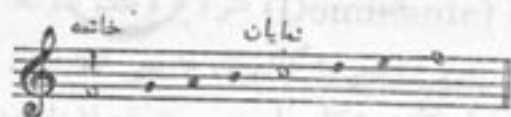
علامت + در گامهای فوق نوتی را که برای کامل کردن اکتاو (پس از قرار دادن دانگها بطور پی در پی) اضافه شده تعیین میکند. اگر نوت اضافه شده در اول گام است کلمه Hypo و اگر در آخر آن است Hyper بآن اضافه شده است.

مدهای کلیسا که توسط سنت آمبرواز (Saint Ambroise) و سنت گرگوار (Saint Gregoire) عبارتند از :

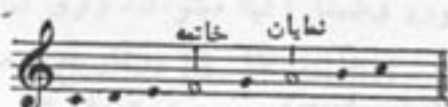
Authentique اتانتیک / Plagal بلاکال

(Dorien) دورین	(Hypo-Dorien) هیپودورین
(Phrygien) فریژین	(Hypo-Phrygien) هیپوفریژین

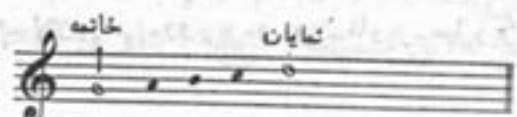
لیدین (Lydien)



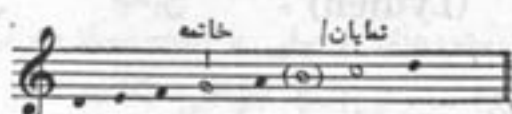
هیپولیدین (Hypo-Lydien)



میکسولیدین (Mixo Lydien)



هیپومیکسولیدین (Hypo-Mixo-Lydin)



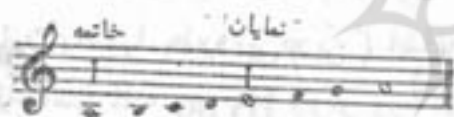
پس از مدتی شش مد دیگر به آنها اضافه شد ولی چون دو مد از آن قابلیت ملدیک نداشت چهار مد بقیه به هشت مد بالا اضافه گردید که جمعاً بالغ بر دوازده مد گردید.

چهار مد عبارتند از:

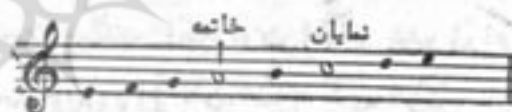
اتانتیک

پلاکال

اولین (Eolien)



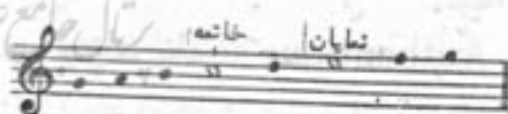
هیپو اولین (Hypo-Eolien)



ایونین (Ionien)



هیپو ایونین (Hypo-Ionien)



تأقرن دهم و یازدهم مدهای مزبور بترتیب مد اول و دوم و ... نامیده میشدند و از آن بیعد نامهای قدیمی یونانی آنها مورد استفاده قرار گرفت و کم کم استفاده از مدهای مزبور به مد ایونین (ماژور فعلی) تقلیل یافت و مدهای مینور فعلی بصورت (آرمونیک، ملدیک و تنوریک) مورد استفاده قرار گرفت. مصنفین این سه اشل را با هم مخلوط نمودند و با بالا و پائین بردن نوتهای کامهای مزبور که بنام «دیانتیک» معروفند کام «کروماتیک» را بوجود آوردند. به اشلهای مزبور میتوان تعدادی مانند:

اشل : دو-ر-می-فا-سل-لا-بمل-سی-دو-هاو پت مان (Hauptmann)
و : دو-ر-می-فا-سل-لا-بمل-سی-بمل-دو اضافه نمود.

«بوزونی» در اتود روی اشل‌های موسیقی تعدادی گام معرفی میکند.

در موقعی که غربیها فواصل کوچک قابل تغییر خود را حذف میکردند شرقیها به فواصل کوچک $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8}$ برده خود وفادار ماندند.

نوشتن گامهای مزبور باطریقه نوت نویسی امروز بسیار مشکل است مگر فواصلی که به سیستم غربی نزدیکند با اینحال اگر آن فواصل با سیستم غربی اجرا شوند ممکن است بگوش آنها خوش آیند نباشد. مثلا غربیها با استفاده از فاصله دوم افزوده بموسیقی خود رنگ شرقی میدهند در حالیکه فاصله مزبور بگوش شرقیها ظرافت و دقت خود را از دست داده است.

«بورگالت دو کوردی» (Bourgault - Ducoudray) در ملدیهای محلی یونانی و شرق این گامها را معرفی میکند:

لا-سی-بمل-دو-دیز-ر-می-فا-سل-دیز-لا

ر-می-فا-سل-دیز-لا-سی-بمل-دو-دیز-ر

«وولت» در قطعات اتود خویش يك تابلو از تنالیتهاى مختلف نشان میدهد که در آنها گام شرقی زیر را می بینیم:

دو-ر-بمل-می-فا-سل-بمل-لا-سی-بمل-دو

و ضمناً چند مثال از گامهایی که میتوان از اختلاط دانگها یا تغییر دادن بعضی درجات بدست آورد عرضه میکند.

کلیسای یونانی مدرن هنوز از کروماتیسیم شرقی استفاده میکند:

می ← $\frac{1}{4}$ پرده گام يك پرده $\frac{3}{4}$ پرده ← $\frac{5}{4}$ پرده ← سی

«تیبوت» (R. P. Thibaut) در يك اتود جالب تابلویی برای مقایسه اشل ترك معرفی میکند و در آنجا تقسیمات اکتاورا به ۲۳ فاصله نشان میدهد.

مصنفین مدرن از يك گام تمام پرده که از توالی شش نوت (بدون نوت محسوس) تشکیل شده استفاده نموده اند.



استفاده از این گام باعث میشود که آرمونی‌های حاصله از آن قالب‌های تنالیتهاى یونانی قدیم را خرد کنند.

اسکریابین (M. Scriabine) از گامی که از آرمونیکهای هشتم تا چهاردهم تشکیل شده : (دو-ر-می-فادیز-لا-سی-بمل) استفاده کرده است.
موسیقی دانان فوتوریست (Futuriste) برای شوخی گام « کماتیک » (Commatique) یعنی تقسیمات اکتاو به ۵۳ کمارا پیشنهاد میکنند در حالیکه شوخی مزبور زیاد هم مبالغه آمیز نیست زیرا تقسیم کردن اکتاو به قسمتهای کوچک ایده جدیدی نیست و در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح هندوها (بدون آنکه فوتوریستها از آن اطلاع داشته باشند) اکتاو را به ۲۲ سرونمی تقسیم مینمودند علاوه بر آن در موزه امبربال سن پترزبورگ يك ارگه یا هارمونیم موجود است که در آن فاصله اکتاو به ۵۳ قسمت شده است باین ترتیب که کلاویه های آن بر رنگهای مختلف و دارای پنج ردیف کلاویه است.

در حقیقت نمیتوان هیچگونه ابرادی به گامهایی که دارای فواصل کوچکتر هستند وارد دانست و هر طبقه ای از مردم در انتخاب فواصل گام (که بوسیله آن بهتر بیان احساس میکنند) آزادند البته باید نظر گرفتن آنکه عضو شنوایی در مورد فواصل بسیار کوچک صدای مبهمی درک خواهد نمود .

دانستن اینکه « تنالیت» عبارتست از مجموعه ارتباطها بین عناصر مختلف يك رشته صداها « بیفایده نخواهد بود . این ارتباطها بیشتر با اولین نوت رشته مزبور یعنی تونیک است .

در مکتب مدرن با چابکی بسیار به تنالیت های بسیار دور با سادگی بوسیله تسلسل های نامساوی مدولاسیون میشود . آکور هفتم نمایان که يك تن معین را مشخص میکند در حالیکه از آن بطور پی در پی استفاده شده و باعث ایجاد مدولاسیون میشود ، بدین معنی که بوسیله آنها قطعه را آماده برای وارد شدن به تنالیت دیگر مینمایند ، بسیار تغییر نموده است و در نتیجه میتوان گفت که يك گروه آکور نیست که برای رفتن به تن جدید گوش را آماده میکند بلکه مجموعه ای از تسلسلهاست که در حال گذر و بامشخص کردن تنالیت اصلی سبب ایجاد مدولاسیون میشود .

همه میدانند که دور شدن از يك تن به دیگری مربوط به تعداد نوت های تغییر یافته آنهاست ولی باید گفت وقتی که بین دو تن مختلف اختلاف به شش میرسد بین آنها در حقیقت نوت مشترکی وجود ندارد .

در استیل کلاسیک بیشتر تنالیت هائی را که روی درجات گام (II و III و IV و V و VI) تشکیل میشدند برای مدولاسیون در نظر می گرفتند ولی مدرنیستها تن هائی که روی تمام درجات گام کروماتیک بنا شده مدولاسیون میکنند .

ترجمه و اقتباس مصطفی پور تراب